

# تاریخ‌های محلی عهد صفوی

بدرالسادات علیزاده مقدم\*

## چکیده

اما از نظر دیدگاه مؤلفان، نگاهی اجمالی به تاریخ‌های نگارش یافته در عصر صفوی، بیان‌کننده آن است که تاریخ‌های محلی نیز از تأثیر تحولات مذهبی عصر صفوی و به‌خصوص رسمیت یافتن تشیع بر کنار نمانده است. تأکید نویسندگان این تاریخ‌ها بر علایق شیعی و ذکر سلسله سادات و رجال و بزرگان شیعه در این مناطق شاهد صادقی بر این مدعا است. از نکات مورد توجه اینکه در میان همین تاریخ‌های محدود محلی نگارش یافته در عصر صفوی از نظر کتی، صفحات شمال ایران سهم بیشتری از این‌گونه کتابها را به خود اختصاص داده است که احتمالاً از آن رو است که این منطقه دیرتر از مناطق دیگر در جغرافیای صفویه مضمحل شده است. کسروی نیز علت این امر را کثرت وقایع و اهمیت این منطقه در ادوار مختلف تاریخ ایران می‌داند (ص: ۵) (ص: ۶).

اما تاریخ‌های محلی نگارش یافته در این دوره خود به دو دسته تقسیم می‌شوند. یک دسته تاریخ‌های محلی‌یی که اختصاص به شرح حوادث در دوره‌ای خاص داشته و دسته دوم تاریخ‌های محلی‌یی که به شکل تاریخ‌های عمومی نگارش یافته‌اند که این کتب نیز خود به دو دسته تقسیم‌بندی می‌گردند. دسته اول کتبی که شامل حوادث یک ناحیه از زمان تأسیس و آبادانی آن تا روزگار مؤلف است. مانند تاریخ سیستان و احیاء الملوک و دسته دوم شامل حوادث به‌صورت مختصر از ذکر خلقت عالم و آدم تا زمان مؤلف است که در ضمن آن تاریخ ناحیه مورد نظر نیز به بحث

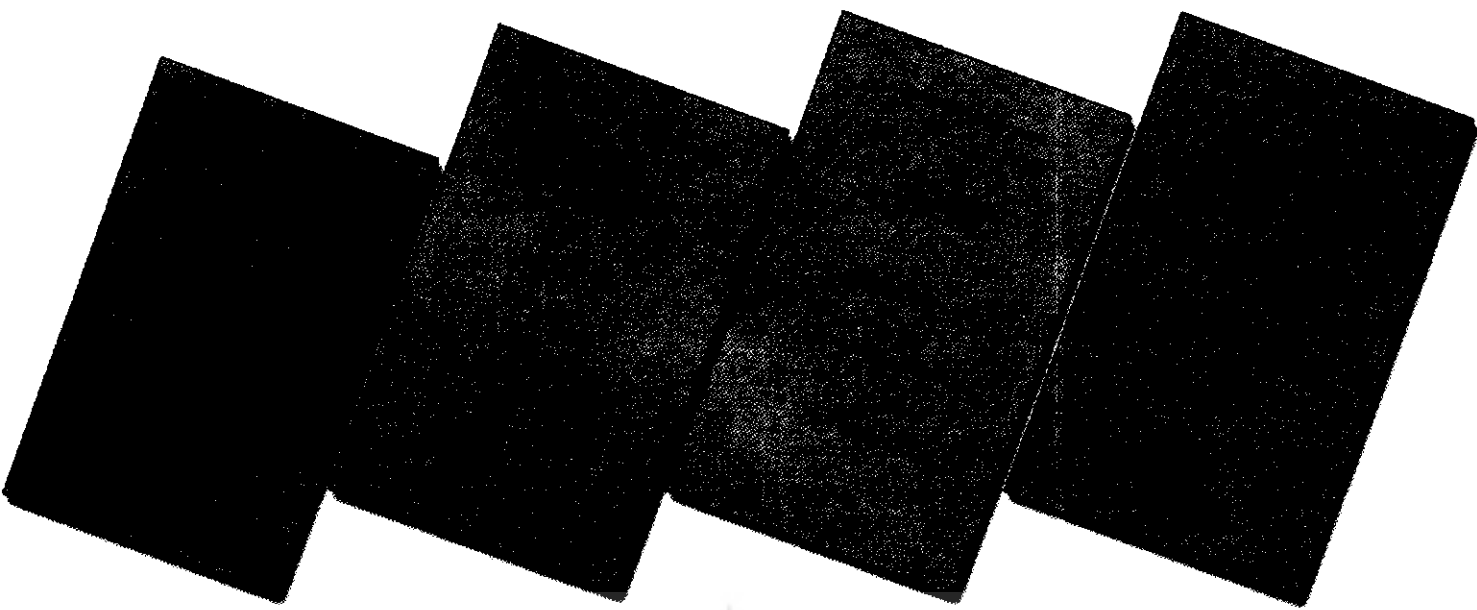
یکی از مهمترین منابع تحقیقاتی در باب عصر صفوی کتب تاریخ محلی است. این منابع غیر از آنکه اطلاعات مفصلی در باب مناطق مورد بحث مؤلف دارد، نشان‌دهنده تأثیر حوادث این نواحی و بزرگان آن در ساختار اداری و سیاسی عصر صفوی نیز هست. این مقاله نگاهی به تاریخ‌های محلی نگارش یافته از آغاز عصر صفوی تا پایان فروپاشی این سلسله دارد.

## تاریخ‌های محلی عهد صفوی

برخی از محققان معتقدند که تاریخ‌های محلی که در ادوار قبل از صفویه فراوان بوده است، پس از وحدت ایران که به مساعی این سلسله انجام یافت، جز به ندرت تألیف نیافته است (ص: ۴) (ص: ۵۸). چرا که با قوت گرفتن دولت صفویه بسیاری از دولتهای محلی از قدرت افتادند و فقط حکومت‌هایی توانستند با تأیید شاهان صفوی به موجودیت خود ادامه دهند که رنگ مذهبی داشتند و حکام آن از زمره سادات بودند (ص: ۱۴) (ص: ۸۳).

با این حال و با وجود کمبود تاریخ‌های محلی نگارش یافته در این دوره، وجود این‌گونه تاریخ‌ها و تأکید نویسندگان آن بر سلسله‌ها و خاندانهای قدیمی آن دیار در روزگاری که صفویان، اکثر سلسله‌های محلی را از بین برده بودند و استقلال آنها در حاکمیت صفویان مضمحل شده بود، نه تنها موجب روشنایی خاص تاریخ این مناطق در عصر صفوی شده است، بلکه در مواردی به نوعی خود، مبین استقلال دید و بستگی عمیق مؤلفان این تاریخ‌ها نسبت به مناطق و امرای مورد نظر مؤلفان است.

\* دانشجوی دکتری تاریخ، دانشگاه الزهراء (س) تهران



کشیده شده است، که شرفنامه بدلیسی و تاریخ مازندران از این‌گونه کتابها هستند.

به‌طور کلی ساختار این کتابها، عموماً برحسب دادن اطلاعاتی حول محور اطلاعات جغرافیایی، تاریخی و رجال و سرانجام اطلاعاتی در باب زندگی اجتماعی ساکنان این مناطق و حتی آداب و رسوم آنان نوشته شده است. بیان چگونگی احداث شهر و اقوال مربوط به آن، سابقه تاریخی شهر، تحولات سرنوشت‌ساز مربوط به شهر موردنظر معمولاً در فصول اولیه و شرح رجال و علما و بزرگان شهر در فصول پایانی قرار دارد. غالباً این‌گونه تاریخ‌ها بنا به دلایلی از جمله علاقه مؤلف به منطقه یا شهر و یا به تشویق حکام محلی به رشته تحریر در آمده است.

یکی از آثاری که به سبک تاریخ‌های محلی در ادوار اولیه حکمرانی صفویه در ایران به رشته تحریر در آمده است، کتاب تاریخ خانی تألیف علی‌بن شمس‌الدین حاجی حسین لاهیجی است. این کتاب به دستور و زیر نظر سلطان احمدخان از سلاطین کیایی گیلان در سال ۹۲۱ تألیف گردیده است (۱۱: ص ۶). و شامل حوادث چهل‌ساله گیلان از سال ۸۸۰ تا ۹۲۰ هجری است. تاریخ خانی در واقع دنباله کتاب تاریخ طبرستان و رویان و مازندران است که سید ظهیرالدین مرعشی آنرا تدوین کرده و شامل وقایع نواحی شمالی ایران در مجاورت دریای خزر تا سال ۸۸۱ است که ادامه این وقایع در تاریخ خانی باید دنبال شود.

اگرچه این تألیف بیشتر در باب تاریخ سیاسی حکومت خاندان کیایی در گیلان است، اما به سبب همزمانی این

تألیف با تلاشهای شاه اسماعیل برای به قدرت رسیدن و دوره اقامت وی در گیلان حایز اهمیت است. مرحوم قزوینی در مقدمه این کتاب در باب اهمیت این تألیف معتقد است که، «جزئیاتی که در این کتاب در خصوص این مدت تاریخ شاه اسماعیل وجود دارد، در هیچ منبع دیگری به چشم نمی‌خورد.» (۱۱: ص ۱۲).

کتاب تاریخ خانی در سه باب به نگارش درآمده است. باب اول در شرح حوادث اواخر حکومت سلطان محمد کیایی و فوت وی و سرانجام جلوس و سلطنت میرزا علی کیایی (۹۱۰ - ۸۵۱) باب دوم درباره سلطنت سلطان حسن و عزل و قتل وی (۹۱۱ - ۹۱۰) و باب سوم به شرح سوانح دوران سلطنت سلطان احمدخان کیایی (۹۲۲ - ۹۱۱) اختصاص یافته است.

مؤلف این تألیف را با حمد و سپاس خدای تعالی و درود بر پیامبر اکرم (ص) و آل وی که به قول نویسنده «ثمره شجره رسالت و ولایت‌اند»، آغاز کرده است و با دعا برای توفیق احمدخان کیایی با عنوان «خان‌بن‌خان» ادامه داده است (۱۱: ص ۷-۳).

فصل سی‌ام، در باب اول این اثر در بیان کیفیت حسب و نسب شاه اسماعیل اول و شرح آمدن وی به گیلان در ایام کودکی و اقداماتی که میرزا علی کیایی در حمایت وی انجام داده است و پس از آن به شرح توجه شاه اسماعیل به اردبیل و قتل شیروانشاه و حوادث پس از آن اختصاص یافته است. در این فصل مؤلف ضمن شرح احوال مختصری از اجداد شاه اسماعیل و تأکید بر نسب سیادت شیخ صفی‌الدین

اردبیلی به عنوان سادات عالی‌مقدار به توجه و التفات طبقات مختلف روم به جانب خاندان شیخ صفی اشارت کرده است و این حسن توجه را ناشی از موهبت الهی و سلطنت او را ناشی از ارادت حق دانسته و از وی به عنوان شاه «عالم پناه» یاد کرده است (۱۱: ص ۱۰۴-۱۰۱ و ۱۲۸).

نویسنده در لابه‌لای مطالب خود که عموماً به شکل موضوعی ارائه داده است، در کنار ذکر حوادث سیاسی و نظامی به آداب و رسوم محلی کیلان و اصطلاحات و آداب جنگی و نظامی این منطقه نیز پرداخته است (۱۱: ص ۸۹، ۱۱۹-۱۱۸، ۱۲۸، ۱۷۱-۱۶۹). وی از منابع تألیف خود یاد نکرده است و تألیف خود را با سبک متکلف توأم با آیات و ابیات و اشعار فارسی و عربی به نگارش درآورده است.

**شرفنامه بدلیسی** تألیف شرف‌خان بن شمس‌الدین بدلیسی از دیگر تألیفات این دوره در زمره تاریخ‌های محلی است که در سال ۱۰۰۵ به رشته تحریر در آمده است. شرف‌خان از اعقاب سران قبیله کرد، روزکی بوده که زمانی فرمانروایی منطقه بدلیس در جنوب ارمنستان را عهده‌دار بودند و سپس بر اثر هجوم ترکان عثمانی، امارت خویش را از دست داده به ایران مهاجرت نمودند. شرف‌خان بدلیسی در ایران متولد شد و پس از چندی به دربار صفوی راه یافت و از جانب شاه طهماسب اول و شاه اسماعیل دوم در کیلان و شروان و نخجوان امارت پیدا کرد. اما پس از چندی به سبب تیرگی روابطش با شاه اسماعیل دوم، وی از کنار برکنار شد. سرانجام پس از سالها وی بار دیگر مورد مرحمت سلاطین عثمانی قرار گرفت و دوباره حکومت موروثی وی یعنی سرزمین بدلیس به او باز گردانده شد. بدلیسی در آنجا کتاب خویش را در دو مجلد تألیف کرد. مجلد اول حاوی تاریخ قبایل چادرنشین کرد و خاندانهای کرد و جغرافیای مفصل و تاریخ امارت بدلیس و مجلد دوم حاوی شرح مفصل وقایع ایران و عثمانی و آسیای میانه در فاصله سالهای ۱۰۰۵-۶۸۹ هجری است. در واقع این کتاب تاریخ مفصل کردستان از ابتدای عالم تا عصر مؤلف است (۱: ص شش تا دوازده). مؤلف در مقدمه به تبعیت از روضه‌الصفاء پس از مقدمه مذهبی و مقدمه‌ای در احوال خود، به بازگو کردن فواید تاریخ پرداخته و پس از تأکید بر مسأله عبرت و فکرت در احوال گذشتگان به قصد خود در نوشتن تاریخی که دیگران آن را ننوشته‌اند، اشاره می‌نماید (۱: ص ۵) پس از آن به ذکر انساب کردان از عهد باستان و حکومت‌هایی که در کردستان تشکیل شده است و سرانجام به شرح تاریخ بدلیس می‌پردازد. مؤلف در این اثر اشارات زیادی در باب تاریخ اجتماعی کردستان، خصوصیات اخلاقی کردان، وضعیت مذهبی و اخلاقی و سرانجام علما و رجال کردستان و به خصوص منطقه بدلیس دارد (۱: ص ۲۳۵-۵۷).

از نکات جالب توجه این اثر، توجه مؤلف به تقسیم‌بندی‌های منطقه‌ای ولایات آن روزگار و ارائه مطالب در این باب است که این مطلب اسباب شناسایی و تسلط بیشتر خواننده به تقسیمات جغرافیایی آن روزگار را فراهم می‌آورد (۱: ص ۷۸).

در این اثر اگرچه مورخ مانند مورخان عهد صفوی در باب صفویان به طرفداری از ترکان پرداخته و دولت آنها را «ابدالاتصال» (۱: ص ۲۵۸) می‌نامد. اما هیچ‌گاه در نقل وقایع از صفویان از دایره ادب خارج نشده است، هر چند به طرفداری از صفویه و مذهب شیعه نیز نپرداخته است (۱: ص ۲۲۸-۲۳). او نیز همچون اکثر مورخان این دوره ضمن کاربرد آیات و اشعار و احادیث به نقل حوادث پرداخته است. وی در این اثر علاوه بر مشهودات و مسموعاتش از کتبی چون *روضه‌الصفاء* و... بهره گرفته است (۱: ص ۵۸).

در باب تاریخ سیستان *احیاء الملوک* اثر شاه حسین بن ملک غیاث‌الدین محمد سیستانی سزاوار توجه است. این کتاب شامل یک مقدمه در بیان بزرگان و رجال و فضایل و غریب این دیار و سه فصل آن در تاریخ عمومی سیستان از بنای سیستان تا سال ۱۰۲۸ هجری است. قسمت خاتمه کتاب شرح و گزارش تولد مؤلف و خاندانش و مسافرت‌های وی به گرجستان، بلخ و ابیورد و... است، (۷: ص ۴۶۶-۶۸) که حاوی مطالب بسیار مفیدی در باب شهرهای مسیر عبور وی است. مؤلف در باب هدف خود از نگارش این تألیف می‌نویسد: «اگرچه در این بازار که متاع هنر از بی‌رواجی به نقاب اختفا چهره پوشیده، تحریرات حکمت علمی و عملی را نمی‌خوانند تا به وقایع و حوادث تاریخ چه رسد، به خصوص تاریخ حال سیستان و سیستانیان و تاریخ بیان حال من پریشان خیال، که خواهد خواند؟... اما چه کنم تلواسه دل و پرکاله جگر است که از بحر خاطر به موجه اندوه به ساحل صفحه می‌افتم، نه تحریر اخبار است، سواد مصیبت‌نامه ایام عمر تلف کرده است.» (۷: ص ۴۵۲).

وی در بساب مردم سیستان معتقد است که «مردم سیستان را به حمیت و غیرت مشهور دانسته‌اند که از زمان فتح آن ناحیه تا حال به محبت اهل بیت راسخ و ثابت‌قدم‌اند.» (۷: ص ۵۶۶) او نیز ارادت خاص نسبت به صفویان داشته و از این سلاطین با القابی چون «دین‌پناه» یاد نموده است (۷: ص ۱۰). مؤلف در این کتاب اشارات متعددی به مناسبات میان ایران و هند و مسائل قندهار داشته است (۷: ص ۱۵۸، ۳۸۶-۸۷).

وی در این تألیف گذشته از مشهودات و مسموعاتش، از کتبی چون تاریخ سیستان از ابو عبدالله که از ثقات راویان حدیث بوده است و ترجمه آن به زبان فارسی که به دست



مؤلف با وجود آنکه شاه عباس را سلطانی عادل و «ظل الله فی الارض» دانسته که به «ارادة الهی خلعت خلافت را از دوش پادشاهان بیدادگر بی هوش به اثر سوز سینه مظلومان با جوش و خروش کشیده است.» (۹: ص ۴). اما از بیان تعدیاتی که در طول لشکرکشی شاه عباس به مردم کیلان روا شد، فروگذار نکرده است (۹: ص ۱۲۶، ۱۳۶) و پس از ذکر سرکوبی همراهان خان احمد گیلانی و هزیمت وی، با تألم خاص درباره او می نویسد:

والی شیعیان خان احمد گیلانی

سید پاک طینت کامل

مکر گیلانیان ز جایش کند

حیف و صد حیف زان شه عادل

عدل زان ملک عزل گشت و نمود

جاودان ظلم اندر او منزل

بهر گیلانی از قضا تاریخ

«ظلم جاوید باد» شد نازل

(۹: ص ۱۳۴)

اگرچه در نهایت مؤلف سرنوشت امور را به قضای الهی احاله می کند، اما شاید همین رویه بیطرفانه فومنی باشد که پیکولوسکایا تألیف او را از پرازش ترین تاریخ های محلی این دوره دانسته است (۲: ص ۱۷-۵۱۶). مؤلف در قسمت نقل وقایع سیاسی به زندگی اجتماعی مردم و آداب و رسوم و چگونگی برگزاری مراسم مختلف جشن ها و اعیاد این

ابومحمد در زمان شاه قطب الدین علی صورت گرفته است و تاریخ سیستان تألیف امیر فاضل امیر محمد مبارز و تاریخ سیستان تألیف محمود یوسف اصفهانی و محمد موالی و تاریخ سیستان از نویسنده مجهول المؤلف بهره گرفته است (۷: ص ۲، ۱۰، ۲۳-۲۳۲).

از دیگر تاریخ های محلی کیلان که در این دوره به رشته تحریر در آمده است، تاریخ کیلان اثر عبدالفتاح فومنی است. مؤلف به مدت ۱۴ سال مأمور تنقیح محاسبات منطقه پیه پس کیلان از جانب شاه عباس صفوی بوده است. این اثر در دو فصل و چهار مقاله در شرح احوال خطه کیلان در سالهای ۱۰۳۸-۹۲۲ هجری است و شامل مطالب و جزئیات فراوانی در باب تاریخ کیلان، به خصوص قیام ها و سرکشی های امرای کیلان بر ضد حکومت مرکزی است (۹: ص ۶). مؤلف اگرچه مأمور امور مالی دولت صفوی در کیلان بوده، اما نوعی استقلال دید و بستگی عمیق نسبت به این منطقه و امرای پیشین آن در وی به چشم می خورد. وی اساساً بروز انحطاط و سقوط کیلان را در نتیجه کفران نعمت سرداران گیلانی و حق ناشناسی آنها نسبت به حکام پیشین گیلانات یعنی اسحاقیه و دیگران دانسته است و انگیزه این تألیف را روشن کردن احوال این سلاطین دانسته تا مردم پس از ملاحظه و مطالعه این کتاب به یقین دانند که کفران نعمت و حرام نمکی با ولی نعمت قدیمی، آخرش اثر چنین خواهد بخشید (۹: ص ۵).

سرزمین نیز پرداخته است (۹: ص ۵۶-۵۴) و تصویری زنده از گیلان آن روز با انشایی ساده در اختیار خواننده قرار می‌دهد. به سبب شغل دیوانی و محاسباتی مؤلف، اصطلاحات دیوانی و حسابداری زیادی در این تألیف به چشم می‌خورد (۹: ص ۱۵۶، ۱۶۱، ۱۷۳، ۱۸۶، ۱۸۷، ۲۱۵).

در سال ۱۰۲۴ در زمان شاه عباس اول تألیفی دیگر در باب صفحات شمال ایران با عنوان *تاریخ مازندران* به همت ملا شیخ علی گیلانی به رشته تحریر در آمد. این تألیف زمانی صورت گرفته است که ولایات دارالمرز یعنی گیلان و مازندران و گرگان جزء حکومت مرکزی شده بود و کسی که سری بجنباند و گردنی برگشاید در این نواحی نبود. مؤلف دوره کوتاهی از حوادث مازندران را به قول خودش و به قصد جاویدان کردن حوادث این مناطق در این تألیف شرح داده است (۱۰: ص ۱۱).

مؤلف با نثری ساده و بی‌پیرایه و به‌طور اختصار مطالبی درباره خلقت عالم و آدم، ذکر بعضی از اختلافات تاریخ ایلام و ازمنه، شمه‌ای از خلفای راشدین، ائمه اثنی‌عشری، خلفای بنی‌امیه، بنی‌عباس، اسماعیلیه مغرب و فهرستی از نامهای سلاطین ایران و حکمرانان طبرستان و دوره حکومت ایشان و ذکری از خاندانهای قدیمی مازندران در دوران شاه عباس اول و حوادث این دوره در مازندران را در این تألیف به رشته تحریر کشیده است. در این نگارش، مؤلف نگاه ویژه‌ای به سادات دیار داشته و اطلاعات مختلفی در باب سادات پازوار - سادات قوسیه (۱۰: ص ۵۴، ۱۰۴) و... ارائه نموده است. اگرچه به اعتقاد مؤلف شرح روایات وی حاصل «آنچه در خاطر مرقوم بوده» است (۱۰: ص ۵). اما مصحح محترم معتقد به استفاده وی از *حبیب‌السیر* در شرح مطالب ادوار قبل از مؤلف است (۱۰: مقدمه، ص سیزده).

در باب تاریخ یزد می‌توان به جامع مفیدی اثر محمد مفید مستوفی بافقی اشاره کرد. این کتاب شامل تاریخ یزد از سلطنت اسکندر تا عصر مؤلف است که به سال ۱۰۸۲ هجری به رشته تحریر در آمده است. این اثر شامل سه جلد است که مجلد اول آن شامل روزگار اسکندر تا امیر تیمور گورکان، مجلد دوم شامل احوال صفویان تا روزگار شاه سلیمان و سرانجام مجلد سوم آن در احوال بزرگان و هنرمندان یزد و جغرافیای تاریخی شهر یزد است. شرح مفصل و شنیدنی خاطرات وی از مسافرت او به هند از قسمتهای جالب توجه مجلد سوم است (۱۲: ج ۳، ص ۷۶۳، ۸۰۷). مؤلف همزمان و همعصر با شاه سلیمان صفوی بوده است و مانند معاصران خود سلطان صفوی را «ظل‌الله» و مصداق آیه «و نجعلهم ائمه و نجعلهم وارثین» و «خدايگان سلاطین مشرق و مغرب» می‌داند (۱۲: ج ۱، ص ۳). اما همو نیز از اوضاع روزگار شکایت نموده و می‌نویسد: «دریغا که در این روزگار

ناسازگار، فراست به کلی از میان برخاسته و جمعیت و رفاهیت از جانب مردم عنان برتافته و قوانین عاقبت و خوشحالی اندراس و انهدام پذیرفته است.» (۱۲: ج ۱، ص ۴).

مؤلف در مجلد سوم، اطلاعات زیادی در باب شهرهای مهم روزگار خود همچون خوارزم، مرو، شاهجان و نیشابور و اطلاعات جالبی در باب مدارس، خانقاهها، مساجد و حتی امامزاده‌ها و طوایف و گروههای مختلف سادات همچون سادات عربی مشهور به سادات قل هوالله ارائه نموده است (۱۲: ج ۳، ص ۵۴۱).

اگرچه محور گزارش نویسی مؤلف بر نقل تاریخ یزد است، اما وی در ضمن نقل این مطالب به ذکر موضوعات متنوع متعددی نیز پرداخته که به راستی این تاریخ را به تاریخی جامع مبدل نموده است. چنانکه گزارش نویسی وی در مورد دربار ساسانیان و داستان سه یار دبستانی (۱۲: ج ۱، ص ۶۸) و بخش عجایب در مجلد سوم از نمونه‌های آن است. مؤلف با نثری روان علاوه بر ذکر دیده‌ها و شنیده‌های خود از افراد ثقه، از کتبی چون *حبیب‌السیر* و *روضه‌الصفاء* و *نزهة‌القلوب* (۱۲: ج ۳، ص ۸۵۴، ۸۶۱) و... با ذکر تعدادی از مکتوبات به تحریر این تاریخ پرداخته است.

*ریاض‌الفردوس* تألیف محمد میرکین مسعود حسینی، در سال ۱۰۸۲ تألیف یافته است. این کتاب به نام شمس‌الدوله محمد زمان خان بیگلربیگی کوه‌گیلویه نگاشته شده است و در واقع تاریخ عمومی ایران و منطقه فارس و کوه‌گیلویه و خوزستان از آغاز تا روزگار پادشاهی شاه سلیمان صفوی است که در یک مقدمه و دوازده کتاب و یک ذیل به نگارش درآمده است (۳: ج ۶، ص ۴۳۳).

*تذکره صفویه کرمان* اثر میرمحمد سعید مشیری (بردسیری) از دیگر آثار در تاریخ‌های محلی این دوران است. مؤلف خود از منشیان و مستوفیان حکام کرمان بوده است و به تألیف تاریخ کرمان تا سال ۱۱۰۴ پرداخته است. اگرچه به قول مصحح قسمت مربوط به حکومت کنجعلی خان و علیمردان خان مفقود گردیده است (۱۳: مقدمه ص ۱۲۶)، اما این تألیف در باب اواخر حکومت صفویان، ضعف‌ها و چالشهای آن همچون وضعیت اقلیت‌های مذهبی مانند یهودیان و زرتشتیان (۱۳: ص ۱۹۶، ۲۴۸، ۵۱۴، ۵۲۷) و نظام تیول‌داری (۱۳: ص ۱۸۹) و بی‌عدالتی حاکمان تعیین شده از جانب پایتخت (۱۳: ص ۱۸۸) از اهمیت بسزایی برخوردار است. موقعیت جغرافیایی کرمان و نحوه ارتباط با سایر نواحی کشور آداب و رسوم (۱۳: ص ۳۱۳) و رفتار با اقلیتهای زرتشتی و یهودی و درگیریهایی که میان سنی و شیعه و کرد و فارس و بلوچ (۱۳: ص ۵۴۶-۴۹) و اخباری در مورد طبقات مختلف اعم از سادات، اطبا، کلانتران و... از اخبار ارزنده این اثر است.

نویسنده گاه با ذکر آغاز سال، ماه به صورت ترکی و حلول نوروز، سررشته وقایع را می‌کشاید. و گاه نیز به طریق موضوعی آغاز بحث می‌کند و گاه نیز حوادث را ذیل عنوان وقایع متنوعه به نقل می‌کشد. نویسنده در این کتاب در کنار ذکر وقایع مختلف با انشایی روان به تبیین زندگی شخصی‌اش نیز پرداخته است. وی برای تدوین اثرش علاوه بر مشهودات و مسموعات از افراد ثقه از احکام و فرامین موجود نیز استفاده کرده است (۱۳: ص ۱۹۹، ۲۵۲، ۵۴۷).

تذکره شوشتر تألیف سید عبدالله جزایری شوشتری نیز از دیگر تاریخ‌های محلی این دوره است. این تألیف اگرچه پس از سقوط صفویه به رشته تحریر در آمده است، اما در مورد اوضاع شهر شوشتر مقارن سقوط صفویه و حوادث پس از آن تا انقراض افشاریه از اهمیت بسزایی برخوردار است. مؤلف خود از بزرگان و علمای شوشتر بود که تألیف کتاب را در سال ۱۱۶۴ آغاز و به ثبت وقایع تا سال ۱۱۷۳ پرداخته است. و تألیف خود را با بیان چگونگی بنای شوشتر پس از طوفان نوح و از زمان سلطنت کیومرث نبیره حضرت آدم آغاز کرده است (۸: ص ۲). و سپس به بیان سایر مسائل مربوط به شوشتر از جمله محاسن و فضایل و مساجد و بقاع و سادات و علما و... پرداخته است. مؤلف این اثر را در مورد دارالمؤمنین شوشتر (۸: ص ۱۲، ۱۲۴) در یک مقدمه و چهل و چهار فصل به انجام رسانده است. وی در این اثر ضمن تجزیه و تحلیل عوامل زوال صفویه به ترسیم اوضاع نابسامان کشور و تأثیر آن بر قشرهای مختلف و زمینه‌های روی کار آمدن نادر پرداخته است (۸: ص ۹۷، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۱۸) و سپس با نثری تقریباً روان حوادث را تا پایان عهد افشاریه دنبال کرده است. وی در این اثر توجه خاصی به سلسله سادات داشته و مکرر از گروههای سادات چون مرعشیه، تلغر و... یاد کرده است (۸: ص ۳۳، ۳۹، ۶۲) و تألیفش را با اشعاری فارسی و عربی در باب امیرالمؤمنین علی<sup>(ع)</sup> و امام زمان<sup>(عج)</sup> آراسته است (۸: ص ۱۱۸-۲۱). مؤلف بنا به قول خود گذشته از مشهودات و مسموعات و افراد ثقه از کتبی چون *نزهة القلوب*، *تذکره دولتشاه سمرقندی* و *تحفة المنجمین* (۸: ص ۳) و... بهره برده است. همچنین در باب تاریخ منطقه کردستان باید به کتاب *زبدة التواریخ سنندجی* اشاره کرد، که به وسیله محمدشریف‌بن ملامصطفی سنندجی در سال ۱۲۱۵ هجری به رشته تحریر در آمده است. مؤلف متصدی کرسی قضاوت اردلان بوده است و این اثر را به نام خسروخان، والی آن ناحیه تدوین نموده است. این اثر علاوه بر ذکر مسائل مربوط به تاریخ محلی آن سامان حاوی اطلاعاتی درباره دوره صفویه و حوادث ایام، یورش افغانان، محاصره اصفهان و سقوط سلسله صفویه است (۶: ص ۲۱۷).

#### منابع

- ۱- بدلیسی، شرف خان بن شمس‌الدین. *شرفنامه*، به اهتمام ولادیمیر ولیامینوف زرنوف، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۷۷.
- ۲- پیگولوسکایا، *تاریخ ایران*، ترجمه کریم کشاورز، انتشارات پیام، تهران، ۱۳۵۴.
- ۳- حسینی، محمد میرک‌بن مسعود. *ریاض‌الفرردوس*، و نسخه خطی لندن، کتابخانه انجمن پادشاهی آسیایی به نشانی ms.n.r.128
- ۴- زرین‌کوب، عبدالحسین. *تاریخ ایران بعد از اسلام*، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۸.
- ۵- زکاء، یحیی. (به کوشش) *کاروندکسروی*، انتشارات فرانکلین، تهران، ۱۳۵۲.
- ۶- سنندجی، محمد شریف‌بن ملا مصطفی. *زبدة التواریخ سنندجی*، تهران، کتابخانه مرکزی تهران، میکروفیلم به شماره ۵۷۶۹.
- ۷- سیستانی، ملک‌شاه حسین‌بن ملک غیاث‌الدین... *احیاءالملوک*، به اهتمام منوچهر ستوده، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۴.
- ۸- شوشتری، سید عبدالله. *تذکره شوشتر*، با مقدمه سید محمد جزایری، انتشارات صدر، تهران، ۱۳۴۸.
- ۹- فومنی، عبدالفتاح. *تاریخ گیلان*، تصحیح منوچهر ستوده، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۶۹.
- ۱۰- گیلانی، ملا شیخ‌علی. *تاریخ مازندران*، تصحیح منوچهر ستوده، انتشارات بنیاد فرهنگ، تهران، ۱۳۵۲.
- ۱۱- لاهیجی، علی‌بن شمس‌الدین بن حاجی حسین. *تاریخ خانی* به تصحیح منوچهر ستوده، انتشارات فرهنگی ایران، تهران، ۱۳۵۲.
- ۱۲- مستوفی باقی، محمد مفید. *جامع یزدی*، ج ۳، به کوشش ایرج افشار، انتشارات کتابفروشی اسلامی، تهران، ۱۳۴۲.
- ۱۳- مشیری بردسیری، میر محمد سعید. *تذکره صفویه کرمان*، تصحیح محمد ابراهیم باستانی پاریزی، نشر علم، تهران، ۱۳۶۹.
- ۱۴- میراحمدی، مریم. *دین و دولت در عصر صفوی*، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۹.